

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۰۲۲

۸۷/۱۱۰۷۹۵۲

۸۸/۴۵



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

عالم مثال از منظر

شیخ شهاب الدین سهروردی و ملاصدرای شیرازی

و کارکردهای فلسفی آن

استاد راهنما:

آیة الله دکتر احمد بهشتی

استاد مشاور:

حجة الاسلام عسکری سلیمانی امیری

۱۳۸۸ / ۱ / ۲۸

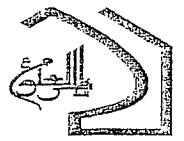
نگارش و پژوهش:

نرجس کریمی

۱۳۸۲

آگهی اطلاعات مدرک تحصیلی  
تسلیت دارک

۱۱۰۳۳۰



دانشگاه باقر العلوم  
(هر دولتی - هر اسلامی)

بسم الله تعالی

تاریخ: ۱۹/۱۰/۱۳۹۰  
شماره: ۵۰۸۶۶  
پیوست:

صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه خانم نرجس کریمی دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی در مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان: عالم مثال از منظر شیخ شهاب الدین سهروردی و ملا صدرای شیرازی و کارکردهای فلسفی آن در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۸ با حضور هیأت داوران دانشگاه باقر العلوم (ع) برگزار گردید. نظر هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد.

○ غیر قابل قبول

○ دفاع مجدد

○ قبول با امتیاز عالی  
نمره ۱۸-

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	استاد	دکتر احمد بهشتی	۱ - استاد راهنما
		آقای عسکری سلیمانی	۲ - استاد مشاور (۱)
		دکتر محمد مهدی گرجیان	۳ - استاد مشاور (۲)
		دکتر یزدان پناه	۴ - استاد داور
			۵ - نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی
	نام و امضای		نام و امضای
	مدیر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی		کارشناس امور پایان نامه ها

توضیح: با توجه به آیین نامه پایان نامه های دانشگاه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد.

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب
۴ - نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	۴ - نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
۵ - نمره کمتر از ۱۰ غیر قابل قبول	۵ - نمره کمتر از ۱۲ غیر قابل قبول

محاسبه میانگین ارزشیابی هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

تقدیم به :

آستان پر از حضور آن دلرامی که آرام زمین از اوست

وزمینیان را هم امان اوست. او که عصاره هستی است

و بقیة اللہ، ظہورش را مستقیم و جان فدایی اش را آرزومند.

و ب

پدر و مادر مهربانم

که دو نعمت بی بدیل زندگی ام هستند.

گرچه این اثر ناچیز، سزاوار تقدیم نمی باشد، اما برک سبزی است تحفه درویش.

## تقدیر و تشکر

در آغاز، سپاس و ستایش بی‌منتهایم را به ساحت مقدس ذات صمدی تقدیم میدارم که با الطاف و عنایات خاصه ربوبی‌اش، حقیر فقیر در وجود و کمالات علمی را از مرحله ظلمانی جهل، به اندازه ظرفیت وجودی او، نور علم و معرفت بخشید، خاصه این که بر او منت نهاده و این سعادت را نصیب وی نموده تا در مقدس‌ترین مکان میهن، یعنی شهر مقدس قم و در جوار ملکوتی حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها - با استفاده و استفاضه از فیوضات و برکات و خیرات و توجهات این بانوی رئوف، به تحصیل باارزش‌ترین علم یعنی علم فلسفه و کلام و توحید اشتغال ورزد.

و پس از آن، مراتب سپاس و تشکر و قدردانی‌ام را از استاد معظم، جناب آقای دکتر بهشتی که زحمت راهنمایی حقیر را در تهیه و تدوین این رساله، تقبل فرموده و با رهنمودهای لازم و راهگشای خویش، موجبات انجام هرچه بهتر آن را فراهم نمودند اعلان داشته، توفیقات و تأییدات علمی و معنوی روزافزون ایشان را از خداوند سبحان مسألت می‌نمایم.

و نیز از استاد بزرگوار، حجة الاسلام سلیمانی که زحمت مشاوره را در تهیه و تدوین این رساله، تقبل فرموده‌اند، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

در پایان از همسر گرانقدرم به خاطر زحمات پررنج و مشقت ایشان در فراهم آوردن امکانات و شرایط مناسب دوران تحصیلی صادقانه متشکر و سپاسگزارم و خیر و سعادت دنیا و آخرت و تکامل و ارتقای علمی روزافزون ایشان را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

## چکیده

عالم مثال، مرتبه‌ای از هستی است که حد فاصل میان مادیات و مجردات صرف می‌باشد. این عالم، یک عالم روحانی است که از طرفی به لحاظ جسمیت و تجسم شبیه جوهر جسمانی است و از حیث مجرد و برانت از قبول حرکت و اباء از تغیر و کون و فساد شبیه به عالم مجرد عقلانی می‌باشد.

گویا شیخ اشراق نخستین فیلسوفی است که به تفصیل از احکام این عالم و به تعبیر وی «اشباح مجردة یا مثل معلقه»، سخن به میان آورده و علت موجد این عالم را برخی از «عقول متکافئه» دانسته است.

البته نباید «مثل افلاطونی» که در عالم انوار عقلی ثابتند و از افق اشباح برتر شناخته می‌شوند را، با «مثل معلقه» که فقط عالم اشباح را تشکیل می‌دهند و از وسعت و شمول عالم عقل بی‌نصیب هستند، اشتباه نمود، بلکه اشتراک این دو مثل، لفظی است نه معنوی.

از نظر صدرالمتألهین که بر خلاف شیخ اشراق قائل به مجرد برزخی قوه خیال است، وجود مثالی بر دو قسم است: مثال منفصل و مثال متصل؛ عالم مثال یا خیال منفصل عالمی است که قائم بالذات بوده و از نفوس جزئیة متخیله بی‌نیاز و مستقل می‌باشد و معلول عقل مجرد است و عالم مثال متصل، قائم به نفوس جزئیة انسانی بوده و معلول نفس می‌باشد و پیوسته در متخیله افراد آدمی ظهور می‌پذیرد.

براهین و دلایل متعددی را حکیمان اسلامی بر وجود این عالم اقامه کرده‌اند ولی بهترین دلیل عقلی برای اثبات عالم مثال، قاعده امکان اشرف است که تقریرات گوناگونی از آن بیان شده که آسان‌ترین آن، تقریر صدراست.

با اینکه این دو فیلسوف بزرگ هر دو قائل به عالم مثال بوده‌اند اما در چند نکته با هم اختلاف نظر دارند که به موارد اختلاف آنها، در فصلی جداگانه پرداخته شده است.

عالم مثال دریچه‌ای برای آشنایی با عالم غیب است و به همین دلیل فلاسفه مسائلی از قبیل: رؤیا، معراج، تجسم اعمال، سؤال و جواب قبر و احوالات برزخ و... را از طریق این عالم به اثبات می‌رسانند و در این میان ملاصدرا، اثبات «معاد جسمانی» خویش را مبتنی بر اثبات این عالم می‌داند.

در این رساله مختصر برآنیم که بعد از طرح بحث عالم مثال به ارائه آراء دو حکیم بزرگ اسلام: جناب شیخ شهاب الدین سهروردی و ملاصدرای شیرازی در این باب بپردازیم و نقاط اختلاف آنها را بر شماریم و در فصلی جداگانه کارکردهای فلسفی این عالم را بیان نماییم.

## کلید واژه‌ها:

عالم مثال، خیال، ماده، عالم عقول (مجردات محضه)، مثل معلقه، مثل افلاطونی، ادراکات (حسی، خیالی و عقلی) انسان (عقلانی، نفسانی، حیوانی)، خیال متصل و منفصل.

## فهرست مطالب

۱.....	مقدمه: طرح تحقیق
۲.....	بیان مسأله
۳.....	اهداف پژوهش
۳.....	سؤال اصلی پژوهش
۳.....	سوالات فرعی پژوهش
۴.....	روش پژوهش
۴.....	سازماندهی تحقیق
۶.....	فصل اول: کلیات
۷.....	شرح حال شهاب‌الدین سهروردی
۸.....	آثار شیخ اشراق
۱۱.....	شرح حال صدر المتألهین
۱۵.....	آثار ملا صدرا
۱۷.....	سیر تاریخی و پیشینه عالم مثال
۲۰.....	تعاریف عالم مثال
۲۰.....	تعریف لغوی
۲۰.....	تعریف اصطلاحی
۲۲.....	اسامی عالم مثال

- عالم مثال و قوه خیال ..... ۲۳
- مثال در قوس صعود و نزول ..... ۲۵
- عالم مثال و ویژگی‌های آن ..... ۲۶
- قاعده امکان اشرف ..... ۳۲
- چند نکته ..... ۳۳
- استدلال بر قاعده: ..... ۳۴
- فصل دوم: عالم مثال از منظر سهروردی** ..... ۳۷
- مقدمه ..... ۳۸
- مراتب عالم از نظر شیخ اشراق ..... ۴۰
- ۱- نور الانوار ..... ۴۰
- ۲- انوار قاهره ..... ۴۱
- ۳- انوار اسفهبديه یا انوار مدبره ..... ۴۳
- ۴- صور یا مثل معلقه یا عالم اشباح ..... ۴۵
- ۵- عالم برازخ یا غواسق و هیأت ظلمانیه و صیاصی ..... ۴۷
- آیا مبتکر «صور معلقه» سهروردی است؟ ..... ۴۹
- رابطه عالم مثال با عوالم ما فوق و مادون ..... ۵۱
- درک و دریافت عالم مثال ..... ۵۱
- عالم مثال (اقلیم هشتم) و احکام آن ..... ۵۳
- شهرهای اقلیم هشتم ..... ۵۷
- اثبات عالم مثال ..... ۶۲
- برهان اول ..... ۶۲
- نقد برهان اول ..... ۶۲
- برهان دوم: صور حسی و خیالی مستقل می‌باشند ..... ۶۳



- نتیجه: ..... ۶۵
- نقد برهان دوم ..... ۶۵
- برهان سوم: قاعده امکان اشرف و تقریر شیخ اشراق ..... ۶۶
- نتیجه: ..... ۶۹
- فصل سوم: عالم مثال از منظر صدر المتألهین ..... ۷۰
- مقدمه ..... ۷۱
- خیال مجرد ..... ۷۳
- عالم مثال یا برزخ ..... ۷۵
- اقسام عالم مثال ..... ۷۷
- الف) مثال نزولی و صعودی ..... ۷۷
- ب) مثال متصل و منفصل ..... ۷۸
- دلایل ابن سینا بر مادی بودن خیال ..... ۷۹
- نقد ملاصدرا بر دلایل مادی بودن خیال بوعلی ..... ۸۱
- جواب نقضی: ..... ۸۲
- جواب حلّی: ..... ۸۲
- صدر المتألهین و اثبات تجرد برزخی قوه خیال ..... ۸۳
- دلیل اول: ..... ۸۴
- دلیل دوم: ..... ۸۵
- ایراد فخر رازی بر دلیل دوم: ..... ۸۶
- پاسخ صدر المتألهین ..... ۸۷
- اشکال دیگر فخر رازی ..... ۸۷
- پاسخ صدر المتألهین به اشکال دوم ..... ۸۸
- دلیل سوم: ..... ۸۸
- ایراد فخر رازی بر برهان سوم ..... ۸۹

۸۹.....	پاسخ تحقیق صدرالمتألهین بر ایراد فخر رازی
۹۰.....	دلیل چهارم:
۹۱.....	برزخ نزولی منفصل
۹۱.....	پاسخ صدرا به منکرین برزخ نزولی منفصل
۹۲.....	راه حل صدرالمتألهین برای اثبات عالم خیال منفصل
۹۳.....	سخن علامه طباطبائی در اثبات مثال منفصل
۹۵.....	دلایل صدرالمتألهین بر عالم مثال
۹۵.....	دلیل اول
۹۶.....	دلیل دوم
۹۷.....	دلیل سوم
۹۷.....	شرایط اجرای قاعده
۹۸.....	بیان قاعده
-	<b>فصل چهارم: تفاوت نگاه شیخ اشراق و ملاصدرا در مسأله عالم مثال</b>
۱۰۲.....	مقدمه
۱۰۳.....	نگاه ملاصدرا و شیخ اشراق به عالم مثال در مقایسه با هم
۱۰۳.....	اختلاف اول:
۱۰۶.....	اختلاف دوم:
۱۱۰.....	اختلاف سوم:
۱۱۰.....	اختلاف چهارم:
۱۱۲.....	<b>فصل پنجم: کارکردهای فلسفی عالم مثال</b>
۱۱۳.....	مقدمه
۱۱۵.....	رؤیاهای صادقانه و خواب
۱۱۹.....	وحی و الهام و ارتباط آن با عالم مثال
۱۲۲.....	صور آینه‌ها و مرایا

۱۲۳	..... جن و شیاطین
۱۲۴	..... افعال خارق العاده و غریبه از جانب اولیاء و ساحران و کاهنان
۱۲۶	..... ارتباط مرتبه تجرد مثالی نفس با احوال عالم برزخ و معاد جسمانی
۱۲۷	..... تجرد قوه خیال و پی آمدهای آن
۱۳۰	..... ثمره تجرد خیال در شناخت معاد
۱۳۲	..... تجسم اعمال در عالم خیال و مثال
۱۳۳	..... اثبات تجرد قوه خیال زمینه اثبات معاد جسمانی است
۱۳۶	..... تحقق مواعید نبوی
۱۳۸	..... نتیجه گیری و خلاصه‌ای از مباحث گذشته
۱۴۴	..... فهرست منابع
۱۴۵	..... کتابها
۱۵۱	..... مقالات:
۱۵۱	..... پایان نامه ها:

مقدمه:

# طرح تحقیق

### بیان مسأله

یکی از مبانی هستی‌شناختی نزد اهل حکمت و عرفان، وجود عالم مثال در نضد و نظام هستی است. عالم مثال، نزد ارباب خرد و اصحاب کشف مرتبه‌ای از هستی است که حد وسط میان مجردات محض و مادیات صرف بوده و برخوردار از تجرد برزخی است. عالم مثال یا عالم برزخ که قیام صدور به عالم عقول دارد، مظهر تفصیلی عالم ارواح و منشأ موجودات عالم شهادت است و چون آئینه‌ای از بالا عالم علوی را منعکس و از پایین عالم سفلی را موجود می‌کند و چون منزلت و مرتبت بینابینی دارد به آن برزخ نیز اطلاق می‌شود.

در میان حکمای اسلامی، حکمای مشاء به‌ویژه شیخ‌الرئیس (رحمه‌الله‌علیه) وجود این عالم را منکرند. شیخ اشراق (اعلی‌الله‌مقامه) ضمن اذعان به وجود آن با طرح ادله‌ای کوشیده وجود آن را اثبات کند اما به این علت که خیال را منفصل می‌داند: در تحمل مناقشات وارده موفق نبوده است. اهل تصوف و عرفان به‌ویژه محی‌الدین عربی (رحمه‌الله‌علیه) در آثار خود علاوه بر قبول عالم مثال ویژگی‌های آن را ذکر کرده اما از ابراز استدلال در این زمینه خودداری کرده‌اند. حکیم میرزا جناب صدرالمتألهین (ره) در قبول وجود عالم مثال هم‌صدای عرفا و شیخ اشراق است. در کتاب *اسفار براهین* متعددی هم برای اثبات مثال متصل و منفصل اقامه فرموده است.

در این پژوهش خواسته‌ایم نظر دو فیلسوف بزرگ یعنی جناب ملاصدرای شیرازی و جناب سهروردی را مورد مذاقه قرار داده و نقاط افتراق و اشتراک نظرات آنها را بیان کنیم و در پایان کارکردهای فلسفی این عالم را برشماریم امید است با یاری و کمک اساتید معظم و محترم پژوهشی شایسته ارائه دهیم.

### اهداف پژوهش

عالم مثال واسطه میان عالم جبروت و عالم ملک و شهادت است و لکن در همه کتب و مباحث فلسفی از این عالم بحثی به میان نیامده، و حتی برخی از حکما و متکلمین منکر چنین عالمی در عوالم هستی می‌باشند لذا با اثبات این عالم و تجرد خیال می‌توان معاد جسمانی، حشر جمیع عوالم وجودیه و لزوم بازگشت جمیع موجودات به مبدأ اعلی را اثبات نمود، همچنین از طریق «قوه خیال متصل» و تجرد آن می‌توان «کیفیت عذاب قبر و سكرات موت» را تبیین و عوالم برزخی را در قوس صعود و نزول اثبات کرد.

به علاوه با اصل حرکت جوهری و تجرد خیال که از ابتکارات بارز و ارزشمند جناب صدرا است بسیاری از اشکالات موجود در باب معاد جسمانی مرتفع می‌گردد.

### سؤال اصلی پژوهش

اثبات عالم مثال و کیفیت کارکرد آن از دیدگاه صدرالمآلهین و شیخ اشراق چگونه می‌باشد؟

### سؤالات فرعی پژوهش

۱. آیا عالم دیگری، میان عالم عقول و عالم مادی، به نام عالم مثال یا برزخ موجود است؟
۲. چگونه این عالم از نظر ملاصدرا و شیخ اشراق ثابت می‌شود؟
۳. آیا عالم مثال مجرد است یا مادی؟
۴. آیا عالم مثال به متصل و منفصل تقسیم می‌شود و چه دلیلی بر این تقسیم وجود دارد؟
۵. اشکالات وارد بر عالم مثال و پاسخ آنها کدام است؟
۶. با اثبات عالم مثال چه کارکردهای فلسفی می‌توان به دست آورد؟

## روش پژوهش

در این تحقیق همانند موضوعات مشابه در حوزه علوم انسانی و اسلامی، از روش توصیفی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز همان روش کتابخانه‌ای و تطبیقی است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات روش عقلی، منطقی و استنباطی است.

## سازماندهی تحقیق

این رساله شامل پنج فصل است که:

فصل اول کلیات می‌باشد که در آن ابتدا شرح حال مختصری از جناب شیخ اشراق و صدرالمتهلین و فهرستی از آثار آنها بیان شده است و سپس پیشینه بحث و مطالبی چند در مورد کلیاتی از عالم مثال مانند تعاریف لغوی و اصطلاحی، اسامی دیگر آن، ویژگی‌های این عالم و تفاوت مثل نوری و معلقه و در پایان کلیاتی در مورد قاعده امکان اشرف که اصلی‌ترین برهان بر وجود این عالم است، بیان شده است.

فصل دوم مربوط به عالم مثال از منظر جناب سهروردی است که در این فصل بعد از ذکر مقدماتی، مراتب عالم از دیدگاه ایشان را بیان کردیم و در ادامه به احکام عالم مثال و جایگاه این عالم در عوالم هستی و اثبات این عالم از منظر شیخ اشراق پرداختیم.

در فصل سوم که عالم مثال را از منظر صدرالمتهلین بیان می‌کند ابتدا توضیحی راجع به عالم مثال یا برزخ ذکر نمودیم و سپس تقسیم عالم مثال به منفصل و متصل را بیان کردیم و در ادامه از آنجا که پاره‌ای از دلایل وجود عالم مثال منفصل متوقف بر اثبات تجرد خیال است به بحثی پیرامون آن و دلایل کسانی که خیال را مادی دانسته و پاسخ به آنها و اثبات تجرد خیال از نظر جناب صدرا همراه با بیان اشکالات وارده و پاسخ آنها پرداخته‌ایم در پایان برزخ نزولی منفصل و اثبات آن و دلایل صدرا بر اثبات این عالم را بیان نمودیم.

فصل چهارم به بیان اختلاف و تفاوت دیدگاه این دو فیلسوف بزرگ در مسأله عالم مثال می‌پردازد.

در فصل پنجم که فصل پایانی است کارکردهای این عالم را در نظام هستی بیان و در

آخر نتیجه‌گیری از بحث‌های گذشته انجام شده است.  
امیدوارم نقایص و اشکالات این رساله مختصر را بر این بنده حقیر ببخشایید.



فصل اول:

# کلیات

### شرح حال شهاب‌الدین سهروردی<sup>۱</sup>

ابوالفتوح شهاب‌الدین یحیی بن حبش بن امیرک، سهروردی، در سهرورد زنجان دیده به جهان گشود، تاریخ تولدش محقق نیست اما زندگی نامه‌نویس بسیار سرشناس او، شهرزوری می‌گوید: وی در ۱۱۶۶/۵۴۵ یا ۱۱۷۱/۵۵۰ زاده شده، حال آن‌که سیدحسین نصر، محقق سهروردی‌شناس، تاریخ ۱۱۷۰/۵۴۹ را ذکر کرده است.

سهروردی در عنفوان جوانی به مراغه رفت و آنجا در محضر مجدالدین جیلی تحصیل حکمت کرد و آنگاه به اصفهان سفر نمود و فلسفه را نزد ظهیرالدین قاری آموخت و به مطالعه بصائر عمر بن سهلان ساوی مبادرت ورزید.<sup>۲</sup> برای دیدار با مشایخ صوفی به سرزمین‌های اسلامی سفر می‌کرد و در ضمن، خود را به زهد و ریاضت مشغول می‌داشت و اوقات زیادی را در اعتکاف می‌گذرانید. می‌گوید:

«مصاحبی را جست‌وجو می‌کردم که بصیرت معنوی‌اش هم‌تراز من باشد اما موفق به

یافتن چنین کسی نشدم»<sup>۳</sup>

۱. تلخیصی از کتب: حکمت اشراق سهروردی، دکتر سید یحیی یشربی، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۵، ص ۲۱-۲۲ و سهروردی و مکتب اشراق، مهدی امین رضوی، ترجمه دکتر مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۲۴-۲۰ و پایان‌نامه‌ای با عنوان تأثیر قرآن در آثار فلسفی سهروردی، داوود ملکی، پاییز ۱۳۸۵، دانشگاه قم.

۲. نصر، سیدحسین، سه حکیم مسلمان، (Three Muslim Sages) (کمبریج: دانشگاه هاروارد، ۱۹۶۴)، ص ۶۰.

۳. شهرزوری، نزهه الارواح و روضه الارواح من تاریخ الحکماء و الفلاسفه، به کوشش س. خورشید احمد، (حیدرآباد، ۱۹۷۶)، ص ۱۲۵.

سفرهایی به آناتولی و سوریه کرد. در حلب با ملک ظاهر پسر صلاح‌الدین ایوبی ملاقات نمود. ملک ظاهر مجذوب سهروردی شد و از او خواست در حلب بماند. وی به سبب نوشته‌هایش و نیز بی‌باکی و ابداعات و چگونگی زندگی‌اش، همواره مورد رد و انکار علمای بلاد بود. محبت و حمایت ملک ظاهر شانزده ساله، او را در برابر علمای حلب دلیر ساخت، گرچه ملک ظاهر از شکستن هیئت علمای شهر که شاید چندان اعتنایی به این امیر جوان نداشتند، خشنود بود، اما وقتی که آنان تیغ کین آختند، غرور امیر جوان را شکستند و شیخ را به پای محاکمه کشاندند و جرم‌های گوناگون بدو نسبت دادند: از ارتباط با اسماعیلیه تا ادعای نبوت، تا جایی که خواستار قتل او شدند، ملک ظاهر بی‌اعتنایی کرد و آنها به نزد صلاح‌الدین ایوبی شکایت بردند و سرانجام بر اثر پافشاری آنها سهروردی به زندان افتاد و در سال ۵۸۷ در ۳۸ سالگی به علت گرسنگی یا خفگی یا ضرب شمشیر یا... از پای درآمد و با عنوان اهانت آمیز «مقتول» معروف گشت.

برای درک فلسفه سهروردی، اوضاع اجتماعی - سیاسی زمان او را باید فهمید. نمی‌خواهیم بگوییم که فلسفه او تابع واقعیات تاریخ است بلکه اگر شرایطی که شیخ اشراق در آن زندگی می‌کرد، بهتر شناخته شود، شاید پاره‌ای از مسائل دخیل در قتل او و نیز بعضی روند فلسفی در افکارش روشن‌تر گردد. همان‌طور که سیدحسین نصر می‌گوید:

«تا وضعیت منطقه از لحاظ تاریخی، دین، فلسفی و اجتماعی کاملاً تحقیق نشود، نمی‌توان

علل مرگ سهروردی را به درستی دریافت»<sup>۱</sup>

آثار شیخ اشراق

تحقیقاتی که توسط دانشمندان معاصر درباره آثار سهروردی انجام شده، بیش‌تر مبتنی بر

۱. نصر، سیدحسین، سهروردی: شیخ اشراق، عارف و شهید، [Suhrawardi: The Musterof

Illumination, Ghostic and Martyr] ترجمه: ویچنیک، نشریه موسسه فرهنگی منطقه‌ای ۲،

ش ۴، (۱۹۶۹)، ص ۲۱۲.

فهرستی است که در «نزهه الارواح» شهرزوری آمده است و نسخ موجود از آثار اوست.<sup>۱</sup>

بر اساس این فهرست، آثار سهروردی بدین ترتیب است:

۱. المطارحات
۲. التلویحات
۳. حکمه الاشراق
۴. اللمحات
۵. الالواح العمادیه
۶. الهیاکل النور
۷. المقاومات
۸. الرمز المومی
۹. المبدأ و المعاد
۱۰. لوامع الانوار
۱۱. الرقیم القدسی
۱۲. اعتقاد الحکماء
۱۳. کتاب الصبر
۱۴. رساله العشق
۱۵. رساله فی حاله الطفولیه
۱۶. رساله المعراج
۱۷. الالواح الفارسیه
۱۸. رساله عقل سرخ
۱۹. بستان القلوب

۱. سهروردی، شهاب الدین، مجموعه مصنفات، پیشین، ج ۳، ص ۲۰.